

نماز های

فوت شده و قضایی آن



دیزاین: الحاج سلیمه عابد پیمان سویدن



۱۳۹۴

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

www.masjed.se

نماز های فوت شده و قضایی آن

بسم الله الرحمن الرحيم

نماز های فوت شده و قضایی آن

خواننده محترم !

قبل از همه باید گفت که نماز یکی از زیبا ترین ، مقبولترین عبادتی است که نباید از یک شخص مسلمان در هیچ وقت و در هیچ لحاظه فوت گردد ، و یا هم در فکر فوت شدن آن باشد، نماز از حقوق پروردگار بر انسان مسلمان میباشد که انجام درست و به موقع آن ، بر یک مومن مسلمان که به سن بلوغ و تکلیف رسیده باشد فرض است .

نماز زمانی آسان و زیباتر میشود که با شرایط و باریکی های آن با خشوع و خضوع مانند جزء زندگی و سیستم روزمره انسان مسلمان مبدل گشته و ادا گردد.

ولی در حالت فراموشی ، مستی ، بی هوشی ، میتوان این نماز فوت شده ، بطوری قضای باید بجا آورد ، بناً احکام نماز قضای همانند اصل نماز در زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم تشریح شده است و یکی از دلایل وجوب آن، آیه « أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي » ، است که بیشتر مفسران گفته اند: « این آیه دلالت دارد بر این که هر گاه به یادت آمد که نمازی بر عهده داری آن را به جا بیاور چه در وقتش باشد و یا خارج از وقتش اگر در وقتش بود ادای آن را به جا بیاور ، و اگر در خارج از وقتش باشد قضایش را بجا بیاور.

بناً مسلمان در صورتیکه وقت نماز از نزدش فوت گردید ، باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی واجب هم نیست که به صورت فوری اقدام به اجرای آن نماید .

نماز قضا را می توان بطور منفرد و یا هم بطور جماعت خواند. و لازم نیست نماز هر دو یکی باشد. مثلاً می توان قضای نماز صبح را، در جماعت نماز مغرب و عشاء خواند، یا برعکس.

نمازی که از انسان فوت شده، از نظر تعداد رکعات، به همان صورت باید قضای ادا گردد. مثلاً انسان می تواند در مسافرت، قضای نماز چهار رکعتی را به صورت تمام بخواند. و اگر مثلاً در مسافرت، نماز ظهر از انسان قضا شده، در حالت مقیم به صورت دو رکعتی قضا کند.

نماز چه وقت قضاء میشود :

نماز وقتی قضاء میشود که یک شخص فراموش کند، و یا در خواب باشد، و یا معذور باشد، و سپس نماز از وقتش بگذرد، که در این صورت بمحض اینکه این عذار (فراموشی و خواب و غیره) برطرف شد باید نماز خویش را بخواند، و دلیل این حکم در حدیثی پیامبر صلی الله علیه و سلم با دقت و وضاحت چنین فورمولبندی گردیده است : « من نسی صلاة فليصلها إذا ذكرها لا كفارة لها إلا ذلك » (بخاری (572) و مسلم (684) ، یعنی: (اگر کسی نمازی را فراموش کرد پس هر وقتی که بیادش آمد باید آنرا ادا کند، هیچ کفاره ای بجز آن ندارد) و در صحیح مسلم آمده است: « أو نام عنها » یعنی: (یا اگر خوابش برد).

نماز های فوت شده و قضای آن

ولی اگر کسی عمداً و یا از روی کسالت نماز را نخواند تا از وقتش بیرون رود، در اینصورت دیگر آن نماز قضاء ندارد زیرا از وقتش گذشته است، یعنی همانطوریکه قبل از وقت نماز قابل قبول نیست، بعد از وقتش نیز اگر عمداً ترک شود قابل قبول نمی باشد، مگر اینکه عذری در میان باشد. همانطوریکه عذر غرض بجا آوردن نماز قضای در حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم بوضاحت بیان شد.

اگر کسی چند نماز قضا داشته باشد مثلاً صبح و مغرب یا نمازی که دیروز قضا شده بانمازی که امروز قضا شده کدام را باید اول بخواند آیا میتواند اول نماز امروز را قضا کند بعد دیروز یا اول مغرب را و بعد صبح قضای نماز برای کسی که از او فوت شده باشد حالات مختلفی دارد:

- 1- در حالتی که انسان در خواب باشد و یا فراموش کند که وقت نماز است تا اینکه وقت نمازش فوت شود، در اینصورت گناهی بر گردن او نیست ولی بمحض اینکه بیدار شود و یا بیداش آید بایست قضاء نماز را بجای آورد چه بعد از نماز فرضیه بعدی باشد و یا چه قبل از آن، و چه اوقات نهی باشد (مانند قبل از طلوع و غروب افتاب) و یا نباشد. (هر کس نمازی را فراموش کند یا به خواب برود و نمازش را نخواند، کفاره آن این است که هرگاه به یادش آمد آن را بخواند). (صحیح مسلم : 684- 1/477/315)
- 2- حالت دیگر اینست که نمازش را چه بصورت عمد و چه از روی کسالت ترک کند، تا اینکه وقتش بگذرد، این عمل خودش از گناهان کبیره بشمار میرود و حتی برخی علماء چنین شخصی را کافر میدانند و اظهار داشته اند که کسی حتی اگر یک نماز را عمدی یا از روی کسالت یا به هر دلیلی (به جز فراموشی یا خواب) ترک کند کافر گشته است. زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: « إن بین الرجل و بین الشرك و الکفر ترک الصلاة » (روایت مسلم)، یعنی: (بدرستیکه بین یک شخص و شرک و کفر، ترک کردن نماز هست.

اما در مورد قضای نمازی که فوت شده است؛ چون نماز وقت مشخصی دارد بر خلاف سایر عبادات قضا ندارد و مادامیکه شخص (عمداً یا از روی کسالت یا بهانه ای دیگر بجز فراموشی یا خواب) نمازش را نخواند، لازم نیست نمازش را قضا کند زیرا هیچ سودی برایش ندارد.

نماز خواندن سر وقت فرض هست و نباید به هیچ وجه آنرا از سر وقتش گذراند زیرا از گناهان کبیره هست، حتی اگر کسی مریض باشد و نتواند حرکت کند باید تا آنجاییکه میتواند حرکات نماز را انجام دهد حتی اگر با حرکات پلکان چشمش باشد، خداوند متعال میفرماید: « إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا » (النساء : 103)، یعنی: " همانا که نماز برای اهل ایمان حکمی واجب و لازم است".

البته برخی علماء می گویند بعد از توبه می تواند نمازهایش را قضا نماید. (و اگر کسی می خواهد جانب احتیاط را پیش گیرد ما به وی توصیه می کنیم نمازش را قضا کند مگر اینکه مدت زمان زیادی نماز نخوانده باشد و قضای آنها بسیار سخت و ناممکن باشد مانند قضای یک یا چند سال در عوض در این حالت باید نمازهای سنت زیادی بخواند)

نماز های فوت شده و قضایی آن

بنابر این شما باید توبه صادقانه کنید، و نمازها را سر وقت بخوانید، و سعی کنید نمازهای سنت را ترک نکنید و یا نمازهای سنت بیشتری بخوانید.
خواننده محترم!

ابن حزم رحمه الله مفکر و فقیه جلیل القدر جهان اسلام در «المحلی» (2/235) مینویسد : همانا خداوند متعال برای هر نماز فرضی وقت معینی را قرار داده که آغاز و پایانش مشخص است، بطوریکه در زمان مشخصی وقت آن فرا میرسد، و نیز در وقت معینی وقت آن به پایان می‌رسد، بنابراین کسی که نمازش را بعد از خارج شدن وقتش می‌خواند، مثل کسی که نماز را قبل از دخول وقتش خوانده باشد، چون هر دوی آنها در غیر وقت خودشان نماز خوانده‌اند. همچنین حکم کردن به قضای نماز باید از جانب خدا بیان شده باشد، زیرا حکم کردن به چیزی یک نوع قانونگذاری به حساب می‌آید، و این کار مختص الله تعالی است که آن را توسط پیامبرش ابلاغ کرده است و اگر بر کسی که نماز را عمداً تا خروج وقت آن ترک کند قضایی واجب می‌بود، خداوند متعال و رسول او صلی الله علیه وسلم از ذکر آن غفلت نمی‌کردند و آن را هم فراموش نکرده‌اند و با ترک بیان آن عمداً ما را در سختی قرار نمی‌دادند : « وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا » (مریم : 64) «و پروردگار تو فراموش کار نبوده است».

و اما جمع نمودن بین دو نماز زمانی جایز است که مثلاً فرد را در وقت نماز ظهر به اتاق عملیات می‌برند و او احتمال می‌دهد که به وقت نماز عصر بیرون نیاید، در اینصورت می‌تواند نماز عصر خود را با ظهر جمع کند .
یا آنکه فرد در مسافرت باشد و وقت نماز برایش تنگ شود، یا عذری داشته باشد و ناچار شود که بدلیل سفر نمازش را جمع کند.

واجب بودن نماز در وقتش:

طوریکه در فوق متذکر شدیم خواندن نماز مطابق حکم پروردگار بر هر مسلمانی در وقتش واجب است.

طوریکه میفرماید : « إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا » (نساء : 103)
«بیگمان نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معلوم و معین است».

علامه عبدالرحمن سعدی مفسر شهیر جهان اسلام در تفسیر این آیه می‌نویسد: « پس این مبین فرضیت نماز است و اینکه نماز دارای وقتی است که به جز در آن وقت صحیح نیست خوانده شود، و وقت نماز اوقاتی است که نزد مسلمین ثابت و مقرر است، و کوچک و بزرگ، و عالم و جاهل آن را می‌دانند، و آنها این اوقات را از پیامبرشان صلی الله علیه وسلم فرا گرفته‌اند که فرمود: « صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي » « همانگونه نماز بخوانید که مرا دیده‌اید نماز می‌خوانم.» و « عَلَى الْمُؤْمِنِينَ » بر این دلالت می‌نماید که نماز معیار و میزان ایمان است و برحسب ایمان بنده نماز وی کامل انجام می‌شود، و این دلالت می‌نماید که کافران گرچه به مانند اهل ذمه باید به احکام مسلمین ملتزم باشند، اما آنها به انجام فروع دین مانند نماز امر نمی‌شوند، و چنانچه آن را انجام

نماز های فوت شده و قضایی آن

دهند مادامی که کافر هستند نمازشان صحیح نیست. هر چند که در آخرت به خاطر برپا نداشتن نماز و سایر احکام مجازات شده و سزا می بینند.»

و برخی از علماء با استناد به احادیث صحیح فرموده اند که هر کس حتی یک نماز خود را عمدا ترک کند یا در سر وقت خود نخواند و آنرا عمدا به تاخیر بیندازد، او کافر می شود و اگر توبه نکند و شروع به نماز خواندن ننماید، حاکم اسلامی او را خواهد کشت. در حدیثی از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الشَّرْكِ وَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» «حد فاصل میان انسان و شرک و کفر ترک نماز است.» این لفظ مسلم است.

از بریده روایت است از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «العهد الذی بیننا و بینهم الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ» «مشخصه‌ی بین ما و آنها (کفار و مشرکین) نماز است، هر کس آنرا ترک کند کافر می شود.» نسایی (231)

بر مسلمان است که این خطر را جدی بگیرد و با ایمان خود بازی نه نماید و اگر در این امر بی توجه و سستی نماید ایمان شان در خطر خواهد بود و اگر فرد ایمانش را از دست دهد، مابقی اعمال صالحش هیچ سودی بحالش نخواهد داشت، چنانکه الله تعالی می فرماید: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» یعنی: و هر کس به ایمان کفر ورزد، اعمال او تباہ می گردد؛ و در سرای دیگر، از زیانکاران خواهد بود.

و کسانی که در این دنیا نماز نمی خوانند، به نص صریح قرآن در قیامت جهنمی خواهند بود، چنانکه قرآن می فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِيْنِ * فِي جَنّٰتٍ يَنْسَآءُلُوْنَ * عَنِ الْمُجْرِمِيْنَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوْا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّيْنَ» (مدثر 38-43) یعنی: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» هر کس در گرو کارهای بدی است که کرده است. پس در مقابل آن گروگان گرفته می شود و آن کارها طوق گردنش خواهند بود و باعث گرفتار شدنش به عذب می گردند. «إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِيْنِ» مگر کسانی که کارنامه اعمالشان به دست راست داده می شود و از سعادت‌مندان هستند. این ها گروگان گرفته نمی شوند بلکه آزاد و شاد خواهند بود.

«فِي جَنّٰتٍ يَنْسَآءُلُوْنَ؛ عَنِ الْمُجْرِمِيْنَ» در باغ‌هایی بهشتی خواهند بود که همه خواسته هایشان در آن فراهم است و در آسایش کامل هستند. آنان رو به همدیگر می نمایند و از یکدیگر درباره گناهکاران می پرسند که حالتشان چگونه شد؛ آیا آنچه را که خدا به آن‌ها وعده داده بود یافتند؟ و برخی به برخی دیگر می گویند: «آیا از آن‌ها خبر دارید؟». آن گاه آنان را در وسط دوزخ می بینند که عذاب داده می شوند. پس به آنان می گویند: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ» چه چیزی شما را وارد دوزخ گردانیده است؟ و به چه گناهی شما مستحق دوزخ شده اید؟ «قَالُوْا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّيْنَ» می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم. بنابراین بر طبق این آیه، کسانی که در دنیا نماز خوان نبودند در قیامت در دوزخ خواهند بود.

نماز های فوت شده و قضایی آن

پس باید به فکر چاره باشید و هرچه زودتر اقدام به ادای نماز های خویش در سر وقت خود نمایید، سعی کنید از گناه دور شوید و اسباب گناه را از خود دور کنید و با افراد دیندار رفاقت نمایید و نماز های خود را در مسجد ادا کنید، اگر شما نماز هایتان را در سر وقت خود نخوانید بلکه آنرا به وقت نماز دیگر منتقل کنید، علاوه بر اینکه مرتکب گناه بس بزرگی شده اید، چون نماز قضا وجود ندارد- کار را بر خود دشوار کرده اید، زیرا اگر چند نماز روی هم بیافتند، خواندن آن نمازها بر دوش آدمی سنگینی می کند و لذا مدتی بعد از خواندن منصرف می شوید و لذا بدین طریق شیطان شما را به گروه تارک نمازها ملحق می کند! پس یکی از راههای سبک شدن عبادت نماز اینست که هرگاه وقت نماز شد، بدون تاخیر بلند شوید وضوء بگیرید و نمازتان را بخوانید، مطمئن باشید با این روش - هرچند در اوایل کمی برایتان دشوار باشد- اما به مرور آنقدر برای شما آسان خواهد بود که هرگز آنرا ترک نخواهید کرد.

و باز یادآوری می شود سعی کنید نماز هایتان را در مسجد بخوانید و با اهل مسجد رفاقت کنید. همه ی این راهها کار شما را آسان می کند و اگر بر طبق این روش عمل نکنید پس نمی توانیم بگوییم کار بر شما راحت می شود!

نماز قضایی و چگونگی قضاء آن:

الله متعال بنا به حکمت خویش برای عبادات وقت و زمانی را قرار داده که مختص به آن عبادت است، ممکن است تمام این حکمتها بر ما مشخص نباشد، اما در هر حال ما بعنوان مسلمان و تسلیم شدگان درگاه الهی مامور و موظف هستیم که مطابق تعریف و خواست شرع عمل کنیم، و عدول از آن محدوده جایز نیست مگر با وجود عذری که مقبول شرع باشد.

و اما کسی که نمازش را در محدوده مقرر خود - که شرع تعیین کرده - نمی خواند تا آنکه وقت آن به اتمام می رسد، خارج از دو حالت نیست :

اول : به دلیل وجود عذر شرعی، خواب یا فراموشی، نمازش را نخوانده باشد تا آنکه وقت آن به پایان می رسد، در چنین حالتی او گناهکار نیست (بشرطیکه عمدا در وقت نماز و یا برای ترک آن خوابد) و بایستی نمازش را قضاء کند، یعنی هرگاه از خواب بیدار شد و یا بیاد آورد - بدون تاخیر نمازش را قضاء کند.

دلیل آن روایت انس بن مالک رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم است که فرمود : « مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلْيُصَلِّ إِذَا ذَكَرَهَا، لَا كَفَّارَةَ لَهَا إِلَّا ذَلِكَ ». بخاری (597).
یعنی : « هر کس نمازی را فراموش کرد همان لحظه که به یاد آورد آن را بخواند، هیچ کفاره ای جز این بر او نیست ».

و در روایت مسلم از انس آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « إِذَا رَقَدَ أَحَدُكُمْ عَنِ الصَّلَاةِ، أَوْ غَفَلَ عَنْهَا، فَلْيُصَلِّهَا إِذَا ذَكَرَهَا، فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: أَقِمِ الصَّلَاةَ لِنِكَرِي » مسلم (684). یعنی : « هرگاه یکی از شما در هنگام نماز در خواب مانده بود، و یا بیادش نبود، هرگاه بیاد آورد نمازش را بخواند، چرا که الله متعال می فرماید : « و نماز را برای یاد من برپا کن » (طه 14) ».

نماز های فوت شده و قضایی آن

دوم: بدون عذر شرعی اقدام به ترک و نخواندن نماز کند، حال چه از روی کسالت و تنبلی باشد یا غیره، چنین شخصی به اتفاق فقهای اسلام گناهکار است، و گناه وی جزو گناهان کبیره است، و سزای آن آتش جهنم است، چنانکه قرآن کریم دلیل رفتن به جهنم عده ای را اینگونه نقل می فرماید: «إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ * فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (سوره مدثر 41-43).
یعنی: «اصحاب یمین در باغهای بهشتند، و از مجرمان سؤال می کنند: چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟ می گویند: ما از نماز گزاران نبودیم».

و حتی بعضی از اهل علم معتقد به کفر آن هستند، و به این حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم استناد کرده اند که فرمود: «إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرَكَ الصَّلَاةَ» مسلم (82). یعنی: «حد فاصل میان انسان و شرک و کفر، ترک نماز است».

و گفتند: باید هرچه زودتر توبه کند و نماز هایش را در وقت شرعی آنها بخواند. و اما جدا از این مسئله - یعنی حکم ترک نماز، چنانچه کسی توبه کند و بخواند نمازهای گذشته را (که نخوانده) جبران کند، آیا قضاء کردن برای او مشروع است؟ پاسخ: علمای اسلام در این مورد اختلاف رأی دارند:

1- برخی از علماء از جمله: امام ابوحنیفه و امام مالک و امام شافعی - با قیاس بر انسان فراموشکار و در خواب مانده، گفته اند: اگر قضای نماز بر فراموشکار واجب باشد، به طریق اولی بر دیگرانی که عمداً آنرا ترک کرده اند، هم واجب است، لذا نمازهای گذشته را قضاء کند.

2- در مقابل عده ای دیگر از اهل علم می گویند: این قیاس مع الفارق است، زیرا کسی که عمداً (یعنی بدون عذر شرعی) نمازش را نمی خواند گناهکار است، ولی فراموشکار و خواب مانده گناهکار نیست، پس چگونه انسان عاصی را بر غیر عاصی قیاس کردن روا باشد؟!

و قضاء کردن برای چنین کسی مشروع نیست، بلکه باید توبه کند و مصمم باشد که دیگر نمازهای فرض را هرگز ترک نخواهد کرد، و در عوض برای جبران تا می تواند اعمال صالحه انجام دهد و نمازهای سنت را از دست ندهد، تا الله متعال نقص وارده در

نمازهای فرض وی را بوسیله نمازهای سنت جبران کند، چنانکه پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ الْمَكْتُوبَةُ فَإِنْ أَتَمَّهَا وَإِلَّا قِيلَ انظُرُوا هَلْ لَهُ مِنْ تَطَوُّعٍ فَإِنْ كَانَ لَهُ تَطَوُّعٌ أَكْمَلَتْ الْفَرِيضَةَ مِنْ تَطَوُّعِهِ» صحیح ابی داود (810). یعنی: «اولین چیزی که بنده‌ی مسلمان در روز قیامت از آن محاسبه می شود، نماز فرض است؛ اگر آن را به طور کامل انجام داده که خوب، در غیر این صورت گفته می شود: نگاه کنید آیا نماز مستحبی دارد، اگر نماز مستحبی داشته باشد نماز فرضش از آن کامل می گردد».

امام ابن حزم می گوید: «هرکس عمداً نماز نخواند تا آنکه وقت نماز به پایان می رسد، دیگر ابداً قادر به قضاء (جبران) آن نخواهد شد، پس اعمال حسنه زیاد انجام دهد و نماز

نماز های فوت شده و قضایی آن

سنت زیاد بخواند، تا میزان او در قیامت سنگین شود، و باید توبه کند و از الله متعال طلب استغفار کند». (المحلی) (2 / 235).

و این رأی عمر بن خطاب، و پسرش عبدالله، و سعد بن ابی وقاص، و سلمان فارسی، و ابن مسعود، و قاسم بن محمد بن ابوبکر، و بدیل عقیلی، و محمد بن سیرین، و مطرف بن عبدالله، و عمر بن عبدالعزیز، و داود ظاهری، و ابن حزم نیز هست، همچنین رأی برگزیده شیخ الاسلام ابن تیمیه و امام شوکانی، و ترجیح علامه ابن باز و البانی و ابن عثیمین و دیگران می باشد.

و علاوه بر دلایل ذکر شده به موارد زیر هم استدلال کردند:

1- الله متعال می فرماید: « إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا » (نساء 103). یعنی: «نماز فریضه‌ای است که الله عزوجل آنرا بر بندگان خویش در اوقات معلوم و معینی فرض گردانیده است».

و گفتند: نماز زمان خاصی دارد و هر یک دارای وقت آغاز و پایانی است، و خروج از آن بدون دلیل شرعی جایز نیست، لذا برپاداشتن نمازها در غیر اوقات آنها مشروع نیست، مگر به خاطر وجود عذری شرعی، مانند در خواب ماندن، یا فراموش کردن..

2- پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلْيُصَلِّ إِذَا ذَكَرَهَا، لَا كَفَّارَةَ لَهَا إِلَّا ذَلِكَ » بخاری (597). یعنی: « هر کس نمازی را فراموش کرد همان لحظه که به یاد آورد آنرا بخواند، هیچ کفاره ای جز این بر او نیست».

و این یعنی: اگر بعد از بیدآوردن، ادای آنرا به تاخیر انداخت، دیگر برای وی کفاره نخواهد شد، پس حال کسی که عمدا و بدون فراموشی یا خواب ماندن نمازش را نمی خواند چه خواهد بود؟! به طریق اولی (قضای آن) برایش کفاره نخواهد بود، و نفعی برایش نخواهد داشت.

3- ابن حزم رحمه الله می گوید: « همانا خداوند متعال برای هر نماز فرضی وقت معینی را قرار داده که آغاز و پایانش مشخص است، بطوریکه در زمان مشخصی وقت آن فرا می رسد، و نیز در وقت معینی وقت آن به پایان می رسد، بنابراین کسی که نمازش را بعد از خارج شدن وقتش می خواند، مثل کسی که نماز را قبل از دخول وقتش خوانده باشد، چون هر دوی آنها در غیر وقت خودشان نماز خوانده اند». «المحلی» (2/235).

4- و باز امام ابن حزم می گوید: « همچنین حکم کردن به قضاء باید از جانب شرع باشد، و شرع جز برای الله متعال که بر زبان پیامبرش ابلاغ می کند، جایز نیست. ما از کسی که معتقد است؛ قضای نماز بر کسی که عمدا آنرا ترک کرده واجب است، می پرسیم: درباره این نمازی که شما امر به خواندنش می کنید خبر دهید: آیا خدای متعال به آن امر کرده یا غیر آنست؟ اگر گفتند: فرقی ندارد (مثل هم هستند)، ما می گوئیم: پس با این حساب کسی که عمدا نمازش را ترک کند گناهکار نیست! زیرا او آنچه را خداوند به وی امر کرده (با قضایش) انجام داده، و هیچ سرزنشی هم متوجه کسی که نمازش را نمی خواند تا آنکه وقتش به پایان می رسد نخواهد بود! درحالیکه کسی چنین

نماز های فوت شده و قضایی آن

چیزی نمی گوید (یعنی کسی تابحال نگفته کسی که عمدا نمازش را ترک کند گناهکار نیست).

و اگر هم گفتند : این نماز (یعنی قضای نماز) را خداوند بدان امر نکرده، می گوئیم : راست گفتید، و همین کفایت می کند که آنها اقرار کنند چیزی را امر کرده اند که خدای متعال امر نکرده است». المحلی (2 / 236).

و باز می گوید : «حکم کردن به قضای نماز باید از جانب خدا بیان شده باشد، زیرا حکم کردن به چیزی یک نوع قانونگذاری به حساب می آید، و این کار مختص خدا است که آن را توسط پیامبرش ابلاغ کرده است و اگر بر کسی که نماز را عمداً تا خروج وقت آن ترک کند قضایی واجب می بود، خداوند متعال و رسول او صلی الله علیه وسلم از ذکر آن غفلت نمی کردند و آن را هم فراموش نکرده اند و با ترک بیان آن عمداً ما را در سختی قرار نمی دادند : «وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» (مریم : 64). یعنی : « و پروردگار تو فراموشکار نبوده است».

و هر قانونگذاری و حکمی که منشأ آن قرآن و سنت نباشد، باطل است «المحلی» (2/235).

و امام شوکانی می گوید : «ابن تیمیه گفته : قائلین به قضای نماز هیچگاه حجتی برای ارائه نداشتند، و اکثر آنها می گویند : قضاء واجب نیست مگر با امر جدید، حال آنکه امری در کار نیست، و تازه ما تنها بر سر قضای نماز با آنها نزاع نداریم، بلکه درباره قبول نماز قضاء و صحت نماز هم در غیر وقت خود با آنها نزاع می کنیم. و بحث در آن به درازا کشیده، و آنچه ذکر کردیم داود (ظاهری) و کسانی که با اویند نیز برگزیده اند، و صحیح هم همانست که ذکر شد، چرا من بعد از تحقیق زیاد در بین (کلام) قائلین به وجوب نماز قضاء بر کسی که عمدا ترک کند، دلیلی نیافتم که در میدان مناظره قابل پذیرش باشد». (نیل الأوطار) (2 / 26).

بنابراین قول راجح، والله اعلم، آنست که : قضای نماز برای کسی که بدون داشتن عذر شرعی آنرا ترک گفته، مشروع نیست و فایده ای هم ندارد، بلکه بایستی توبه و استغفار کند و در عوض برای جبران اعمال صالحه و نمازهای سنت زیاد بخواند. اگر خواهان تفصیل بیشتر در این بابت هستید، می توانید به کتاب « الصلاة » ابن قیم مراجعه کنید.

یادداشت : شیخ الاسلام ابن تیمیه گفته : «کسانی از علماء که معتقد به قضاء هستند، نمی گویند که به مجرد قضاء گناه از دوش او ساقط می شود، بلکه می گویند قضاء کردن گناه وی را تخفیف می دهد، اما گناه ترک و تاخیر نماز از وقتش مانند دیگر گناهان یا نیاز به توبه دارد و یا به حسناتی که محو کننده گناهان است، و یا به سایر چیزهایی که موجب ساقط کردن عقاب اخروی اند». «منهاج السنة» (5 / 233).

نماز قضا و بهترین وقت ادای آن :

بهترین موقع ادای نماز، اول وقت آنست یعنی بعد از آذان و انجام نمازهای رواتب، باید نماز فرض را بخواند (البته بجز نماز عشاء برای کسی که موفق به ادای نماز جماعت

نماز های فوت شده و قضایی آن

عشا نشود) چنانکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال شد کدام عمل نزد الله محبوبتر است ایشان فرمودند: «الصلاة على وقتها» یعنی نماز در وقت خود. (بخاری و مسلم) و ابن مسعود رضی الله عنه نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أفضل الأعمال الصلاة في أول وقتها» یعنی: افضلترین اعمال (نزد خداوند) اقامه ی نماز در اول وقت آن است. حدیث را ترمذی و حاکم روایت کرده اند و صحیح است.

و در پایین احادیثی را خدمت خوانندگان محترم ذکر خواهند نمود که نشان می دهد پیامبر صلی الله علیه وسلم نمازهای پنجگانه خود را در اول وقت می خواندند:

- نماز صبح:

در مورد خواندن نماز صبح در حدیثی از بی بی عایشه (رضی الله عنها) روایت است: «كن نساء المؤمنات يشهدن مع رسول الله صلى الله عليه وسلم صلاة الفجر متلفعات بمروطهن، ثم ينقلبن إلى بيوتهن حين يقضين الصلاة، لا يعرفن أحد من الغلس» «زنان مؤمن با پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز صبح حاضر می شدند در حالیکه خود را با لباسهایی (از خز یا پشم) می پوشیدند؛ و پس از آن که نمازشان را ادا می کردند به خانه هایشان باز می گشتند در حالیکه هیچ کس به خاطر تاریکی آنها را نمی شناخت». متفق علیه

- نماز ظهر:

در مورد خواندن نماز ظهر در حدیثی از جابرن سمره روایت است: «كان النبي صلى الله عليه وسلم يصلي الظهر إذا دحضت الشمس» «پیامبر اسلام نماز ظهر را هنگامی که آفتاب در حال زوال بود می خواند». (الإرواء 254).

- نماز عصر:

در مورد خواندن نماز عصر در حدیثی از انس رضی الله عنه روایت است: (أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يصلي العصر و الشمس مرتفعة حية، فيذهب الذهاب إلى العوالي فيأتي العوالي والشمس مرتفعة) «پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز عصر را زمانی می خواند که آفتاب بلند و پرنور بود طوریکه اگر یکی از ما می خواست به منطقه عوالی (محلّی در فاصله حدود چهار مایلی مدینه) برود، به آنجا می رسید در حالی که هنوز آفتاب بلند بود». بخاری و مسلم

از ابن عمر (رضی الله عنه) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «الذي تفوته صلاة العصر كأنما وتر بأهله وماله» «کسی که نماز عصر را از دست بدهد مانند این است که اهل و مالش را از دست داده باشد». متفق علیه
از بریده رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «من ترك صلاة العصر فقد حبط عمله» «کسی که نماز عصر را ترک کند عملش از بین رفته است». نسایی

گناه کسی که نماز عصر را تا وقت زرد شدن آفتاب به تأخیر بیاورد:

از انس رضی الله عنه روایت است: از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «تلك صلاة المنافق، يجلس و يرقب الشمس حتى إذا كانت بين قرني الشيطان قام فنقرها

نماز های فوت شده و قضایی آن

أربعاً لا يذكر الله إلا قليلاً» «این نماز منافق است که می‌نشیند و منتظر می‌ماند تا آفتاب بین دو شاخ شیطان قرار بگیرد، آنگاه بلند می‌شود و چهار رکعت نماز را (مانند مرغی که به زمین نوک می‌زند) تندتند می‌خواند و در آن یادی از خدا نمی‌کند مگر اندک». مسلم گناه کسی که نماز عصر را تا وقت زرد شدن آفتاب به تأخیر بیندازد:

از انس رضی الله عنه روایت است: از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: «تلك صلاة المنافق، يجلس و يرقب الشمس حتى إذا كانت بين قرني الشيطان قام فنقرها أربعاً لا يذكر الله إلا قليلاً» «این نماز منافق است که می‌نشیند و منتظر می‌ماند تا آفتاب بین دو شاخ شیطان قرار بگیرد، آنگاه بلند می‌شود و چهار رکعت نماز را (مانند مرغی که به زمین نوک می‌زند) تندتند می‌خواند و در آن یادی از خدا نمی‌کند مگر اندک». مسلم.

- نماز مغرب:

در مورد خواندن نماز مغرب در حدیثی از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «لاتزال أمتي بخير أو على الفطرة ما لم يؤخروا المغرب حتى تشتبك النجوم» «امت من تا وقتیکه نماز مغرب را تا موقع ظاهر شدن ستارگان به تأخیر نینداخته‌اند، همواره بر خیر و فطرت (دینی)، یا بر دین حنیف هستند». ابوداود

از سلمه بن أکوع رضی الله عنه روایت است: «أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يصلي المغرب إذا غربت الشمس و توارت بالحجاب» «پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز مغرب را همینکه آفتاب غروب می‌کرد و پنهان می‌شد می‌خواند. متفق علیه

- نماز عشاء:

اگر قرار باشد که نماز عشاء بطور انفرادی اداء می‌گردد، بهتر آنست تا ادای آن به تأخیر انداخته شود (حتی تا نصف شب) ولی اگر قرار شد که نماز عشاء با جماعت برگزار گردد، بهتر است بعد از آذان عشاء، اقامه خوانده و ادای نماز عشاء با جماعت صورت گیرد.

در مورد اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز عشاء را در چه وقت اداء فرموده اند حدیثی داریم از حضرت بی بی عایشه (رضی الله عنها) که فرموده اند: «أعتم النبي صلى الله عليه وسلم ذات ليلة حتى ذهب عامة الليل، و حتى نام أهل المسجد، ثم خرج فصلى، فقال: إنه لوقتها لولا أن أشق على أمتي» (مسلم) «شبی پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز (عشاء) را به تأخیر انداخت تا اینکه قسمت اعظم شب گذشت و اهل مسجد خوابیدند، سپس خارج شد، نماز را خواند و فرمود: اگر اتمم به سختی نمی‌افتادند آن وقت آن (نماز عشاء) است.

خواننده محترم!

با توجه به نصوص حدیثی که در فوق بدان اشاره نمودیم با تمام وضاحت در یافتیم که ادای نماز در اول وقت از توصیه های شارع است و کسی حق ندارد نماز خود را حداکثر تا انتهای وقت نماز مربوطه به تأخیر بیندازد، یعنی حق ندارد نماز خویش را

نماز های فوت شده و قضایی آن

قضا نماید مگر اینکه شخص در خواب بوده باشد یا اصلاً بیاد نداشت که وقت نماز رسیده تا اینکه مطلع می گردد وقت نماز گذشته که در این صورت هرگاه یادش آمد باید بلافاصله همان وقت نمازش را بخواند و این نماز قضا نیست: آیا کسی که عمداً نماز را تا خارج شدن وقت ترک کند، می تواند قضای آن را بجای آورد؟

ابن حزم رحمه الله در «المحلی» (2/235) می گوید: همانا خداوند متعال برای هر نماز فرضی وقت معینی را قرار داده که آغاز و پایانش مشخص است، بطوریکه در زمان مشخصی وقت آن فرا می رسد، و نیز در وقت معینی وقت آن به پایان می رسد، بنابراین کسی که نمازش را بعد از خارج شدن وقتش می خواند، مثل کسی که نماز را قبل از دخول وقتش خوانده باشد، چون هر دوی آنها در غیر وقت خودشان نماز خوانده اند. همچنین حکم کردن به قضای نماز باید از جانب خدا بیان شده باشد، زیرا حکم کردن به چیزی یک نوع قانونگذاری به حساب می آید، و این کار مختص الله است که آن را توسط پیامبرش ابلاغ کرده است و اگر بر کسی که نماز را عمداً تا خروج وقت آن ترک کند قضایی واجب می بود، خداوند متعال و رسول او صلی الله علیه وسلم از ذکر آن غفلت نمی کردند و آن را هم فراموش نکرده اند و با ترک بیان آن عمداً ما را در سختی قرار نمی دادند: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» (مریم: 64) (و پروردگار تو فراموشکار نبوده است). و هر قانونگذاری و حکمی که منشأ آن قرآن و سنت نباشد، باطل است.

پس قضای نماز فوت شده هیچ اصلی در دین ندارد مگر اینکه شخص در خواب مانده باشد یا اینکه فراموش کرده باشد.

قضای سنت نماز صبح:

قضای سنت نماز صبح یکی از موضوعات است که فقها در مورد آن به اختلاف رای پرداخته اند، که غرض روشن شدن بیشتر این موضوع ببرخی از آن اشاره مینمایم: مستحب است که قبل از نماز صبح دو رکعت نماز سنت نماز صبح را خواند و این دو رکعت دارای فضیلت زیادی در دین مقدس اسلام میباشد:

حضرت بی بی عایشه (رضی الله عنها) درباره اهمیت و منزلت دو رکعت سنت نماز قبل از نماز صبح در حدیثی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نموده میفرماید: «هما أحب إلي من الدنيا جميعاً» (من آن دو رکعت را از همه دنیا بیشتر دوست دارم). بروایت احمد و مسلم و ترمذی.

از جانب دیگر سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش طوری بود که: ابتدا در خانه های خویش نماز سنت فجر را بعمل می آوردند، و بعد از انجام آن برای ادای نماز جماعت صبح به سوی مسجد براه می افتادند و سپس، بدون خواندن تحية المسجد، شروع به اقامه و ادای نماز جماعت می کردند.

بنابراین ما هم باید سعی و کوشش کنیم که در خانه خویش نماز سنت را ادا نمایم، و بعد از خواندن نماز سنت غرض ادای نماز جماعت به سوی مسجد برویم.

و هرگاه به مسجد رسیدیم و دیدیم که نماز جماعت برگزار شده، باید به نماز در همان

نماز های فوت شده و قضایی آن

زمان به نماز جماعت ملحق شویم و احيانا اگر نماز سنت صبح را قبل از منزل نخوانده باشیم، باز نباید در مسجد و با شروع اقامه نماز سنت بخوانید، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم به صراحت تام فرموده اند: «إذا أقيمت الصلاة فلا صلاة إلا المكتوبة» مسلم (710). یعنی: «هرگاه نماز (فرض) اقامه شد خواندن هیچ نمازی جز همان فرض جایز نیست».

در حدیثی از قیس بن عمر روایت است که او برای نماز صبح بیرون آمد و در مسجد دید که پیامبر صلی الله علیه و سلم مشغول خواندن نماز صبح است، لذا نتوانست سنت فجر را بخواند، فوراً با پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز صبح را خواند. سپس چون نماز صبح تمام شد، برخاست و سنت فجر را بجای آورد.

پیامبر صلی الله علیه و سلم از کنار او گذشت و فرمود: «ما هذه الصلاة؟» (این نماز چیست؟). او گفت: سنت فجر است، پیامبر صلی الله علیه و سلم حرفی نزد و سکوت فرمود.

به روایت احمد و ابن خزیمه و ابن حبان و اصحاب سنن، مگر نسائی. عراقی اسناد آن را حسن دانسته است.

سید سابق در فقه السنه می گوید: «از ظاهر احادیث چنان برمی آید که پیش از طلوع آفتاب و بعد از آن می توان سنت صبح را قضا کرد، خواه با عذر یا بدون عذر، همراه با نماز صبح، یا تنها فوت شده باشد.»

کسیکه نماز صبح را همیشه قضا میکند!

قبل از همه باید گفت که وقت نماز صبح از طلوع فجر صادق آغاز و تا طلوع آفتاب ادامه دارد. پس مادامیکه آفتاب طلوع نکرده باشد وقت نماز هنوز باقی است و می توان آنرا ادا نمود.

ولی اگر کسی در خواب بماند و هنگام بیدار شدن متوجه شود که آفتاب طلوع کرده است، او باید بلافاصله و بدون تاخیر همان لحظه وضوء بگیرد و نماز صبح خویش را بخواند. زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: «من نسی صلاة أو نام عنها فكفارتها أن يصلّيها إذا ذكرها» (صحیح مسلم: 684-1/477/315) (هر کس نمازی را فراموش کند یا به خواب برود و نمازش را نخواند، کفاره آن این است که هرگاه به یادش آمد آنرا بخواند).

اما اگر کسی عادت کند و هر روز یا بیشتر روزهای هفته را در خواب بماند و نماز صبحش را به وقت طلوع آفتاب برساند، او گناهکار است و گناه او بزرگ و مایه ی خشنودی شیطان است. العیاذ بالله

نماز های فوت شده و قضایی آن

پس کسی که در خواب می ماند نباید آنرا بصورت عادت در بیاورد و باید برای رفع این امر تلاش کند، مثلا ساعت آذان را تنظیم نماید یا از روش مناسبی استفاده کند تا موقع آذان از خواب برخیزد، تا بعد از مدتی سختی بیدار شدن از دوش وی برداشته می شود. همچنین اگر بیدار شد بسم الله بگوید، زیرا در صحیحین به روایت از ابوهریره آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «يَعْقُدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلَاثَ عُقَدٍ، يَضْرِبُ كُلَّ عُقْدَةٍ عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ، فَإِنِ اسْتَيْقَظَ فَذَكَرَ اللَّهَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنِ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنِ صَلَّى انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ، وَإِلَّا أَصْبَحَ خَبِيثَ النَّفْسِ كَسَلَانَ».

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «وقتی که یکی از شما به خواب رفت، شیطان پشت سر او سه گره می زند و در هر گره می گوید شب درازی در پیش داری به خواب، چنانچه بیدار شد و نام خدا را یاد کرد، گرهی گشوده می شود، و چنانچه بلند شد و وضوء گرفت گره دیگری گشوده می شود و چنانچه نماز خواند گره ها همه گشوده می شود و صبح که از بستر برمی خیزد خوش دل و بانشاط برمی خیزد، و چنانچه الله را یاد نکرد و وضوء نگرفت و نماز نخواند صبح که از بستر خواب بلند می شود بددل و گرفته دل و بی نشاط و سست برمی خیزد».

به هر حال بر هر فرد مسلمانی واجب است که سستی را در نمازش کنار بگذارد، خصوصا برای نماز صبح، و نباید خود را به غفلت بزند، چرا که خداوند متعال به قلبها آگاه است و کسی که تنبلی می کند و برای بیدار شدن تلاش نمی کند در حقیقت به خودش جفا کرده چرا که بار گناه زیادی را برای خویش گردآورده است! اگر به توصیه پیامبر صلی الله علیه وسلم عمل شود بزودی این مشکل رفع خواهد گردید و دیگر سختی بیدار شدن برای ادای نماز از دوش برداشته خواهد شد.

خواب بردن و عدم خواندن نماز:

طوری که در فوق یادآور شدیم شخصیکه خوابش ببرد، یا وقت نماز را، فراموش کند، وقت نماز او هنگامی است که بیدار می گردد، یا بیدارش می آید. (پس همان وقت باید نمازش را بخواند). زیرا ابوقتاده گفته است: نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتند: خوابمان برده است به نماز نرسیده ایم، فرمود: «إنه ليس في النوم تفريط إنما التفريط في اليقظة، فإذا نسي أحدكم صلاة أو نام عنها فليصلها إذا ذكرها» (بیگمان در خواب سهل انگاری و کوتاهی نیست بلکه سهل انگاری و کوتاهی تنها در بیداری است، هرگاه یکی از شما نمازش را فراموش کرد یا اینکه خوابش برد و در وقت خود به نماز نرسید، وقتی نمازش را بخواند که بیدارش آمد، (یا از خواب بیدار شد). (ترمذی و ترمذی آن را روایت کرده و ترمذی آن را صحیح دانسته است.)

همچنان در حدیثی دیگری از انس روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «من نسي صلاة فليصلها إذا ذكرها لا كفارة لها إلا ذلك» (کسی که نمازش را فراموش می کند، هر وقت بیدارش آمد آن را بگزارد، جز آن کفاره و تاوانی ندارد) (بخاری و مسلم آن را روایت کرده اند).

نماز های فوت شده و قضای آن

در روایت اسلامی از عمران بن حصین روایت است که گفت: « شبی همراه پیامبر صلی الله علیه و سلم راه می‌رفتیم، وقتی که آخر شب فرا رسید يك مجلس عروسی برگزار شد، فردایش بموقع از خواب بیدار نشدیم تا اینکه گرمای آفتاب بیدارمان کرد، هر يك از ما سراسیمه شده و با شتاب در صدد وضوء گرفتن برآمد، عمران گوید: پیامبر صلی الله علیه و سلم دستور داد که مردم آرام شوند، سپس کوچ کردیم و رفتیم تا اینکه آفتاب بلند گشت. آنگاه وضوء گرفت و فرمان داد که بلال آذان دهد.

آنگاه پیامبر صلی الله علیه و سلم دو رکعت نماز سنت قبل از نماز صبح را بگزارد، سپس بلال اقامه گفت، و نماز را خواندیم، گفتند ای پیامبر الله، آیا فردا آن نماز را در وقت صبح اعاده نکنیم؟ فرمود: « اینهاکم ربکم تعالی عن الربا و یقبله منکم » (آیا پروردگارتان شما را از « ربا » منع می‌کند و خود « ربا » را از شما می‌پذیرد؟ » (احمد و دیگران آن را روایت کرده‌اند).

جماعت برای ادای نماز قضا:

برپا کردن جماعت برای قضای نماز در دین مقدس مشروع می‌باشد، و دلیل آن حدیثی است که صحابی جلیل القدر ابوقتاده رضی الله عنه که گفت: «سِرْنَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةً، فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ: لَوْ عَرَسَتْ بِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «أَخَافُ أَنْ تَتَأَمُّوا عَنِ الصَّلَاةِ». قَالَ بِلَالٌ: أَنَا أَوْ قِظْتُكُمْ، فَاضْطَجَعُوا وَأَسْنَدَ بِلَالٌ ظَهْرَهُ إِلَيَّ رَاجِلِيهِ، فَعَلَبَنَّهُ عَيْنَاهُ فَنَامَ، فَاسْتَيْقَظَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ طَلَعَ حَاجِبُ الشَّمْسِ، فَقَالَ: «يَا بِلَالُ، أَيْنَ مَا قُلْتَ؟ قَالَ: مَا أَلْقَيْتُ عَلَيَّ نَوْمَةً مِثْلَهَا قَطُّ، قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ قَبِضَ أَرْوَاحَكُمْ حِينَ شَاءَ، وَرَدَّهَا عَلَيْكُمْ حِينَ شَاءَ، يَا بِلَالُ، فَمُ قَادِنٌ بِالنَّاسِ بِالصَّلَاةِ». فَتَوَضَّأَ، فَلَمَّا ارْتَفَعَتِ الشَّمْسُ وَابْيَاضَتْ، قَامَ فَصَلَّى ». (بخاری (595) و مسلم (681) و نسائی (846). و للنسائی: « قَامَ فَصَلَّى بِهِمْ ». ابوقتاده می‌فرماید « شبی، ما با رسول الله صلی الله علیه و سلم همسفر بودیم. گروهی گفتند: چه خوب بود اگر برای خواب، توقف می‌کردیم. رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: «می‌ترسم برای نماز صبح بیدار نشویم». بلال گفت: من شما را بیدار می‌کنم. مردم دراز کشیدند و بخواب رفتند.

بلال هم نشست و به شترش تکیه زد. دیری نگذشت که خواب بر او نیز غلبه کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم زمانی از خواب بیدار شد که آفتاب طلوع کرده بود. آنگاه خطاب به بلال فرمود: «کجاست آنچه وعده نمودی؟! بلال گفت: ای رسول خدا! من هرگز چنین بخواب نرفته بودم. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: «هرگاه، خداوند بخواهد، ارواح شما را قبض می‌کند و هرگاه بخواهد، بر می‌گرداند. ای بلال! اکنون، برخیز و آذان بگو». سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم وضوء گرفت و پس از بلند شدن آفتاب، نماز را اقامه نمود». و در روایت نسائی آمده است که: « پیامبر صلی الله علیه و سلم علیه و سلم برخاست و با اصحابش نماز خواند».

شیخ ابو محمد عبدالله بن احمد بن قدامة بن مقدم بن نصر بن عبدالله مقدسی (م 620 ق) می‌فرماید: «قضای نمازهای از دست رفته بصورت جماعت مستحب است، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم در روز خندق چهار نماز را از دست دادند که آنها را با جماعت

نماز های فوت شده و قضای آن

قضاء نمودند، و نیز در حدیث ابوقتاده و غیره، که پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش بعد از نماز صبح روز خندق بیدار شدند، که بصورت جماعت با آنها نماز خواند. (المغنی (356/1).

شیخ ابن عثیمین می گوید: «از حدیث ابوقتاده اینگونه برداشت می شود که جماعت برای نماز قضاء اگر گروهی باشند، مشروع است، زیرا قضاء، اداء را حکایت کند، پس همانگونه که اگر در وقت خود نماز می خواندند بصورت جماعت می خواندند، اگر هم نمازشان قضاء شد باز بصورت جماعت می خوانند، در حدیث ابوهریره هم در این باره آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم بلال را امر کرد آذان دهد، سپس دو رکعت سنت صبح خواندند سپس با آنها نماز صبح را با جماعت خواندند» «الشرح الممتع» (140/2).

دریافتن يك رکعت از نماز قبل از اینکه وقت بگذرد:

کسیکه بتواند قبل از گذشتن وقت نماز، يك رکعت آن نماز را، بگزارد، نماز را دریافته است (نمازش ادا محسوب می شود نه قضاء، بقیه را در خارج وقت ادامه می دهد). زیرا ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده که فرمود: (من أدرك ركعة من الصلاة فقد أدرك الصلاة) (هرکس توانست يك رکعت را، در وقت مقرر بخواند، بیگمان به نمازش رسیده است). گروه محدثین آن را روایت کرده اند. معنی این حدیث همه نمازهای پنجگانه را شامل می گردد. بخاری حدیث مربوط به این مطلب را چنین روایت کرده است: هرگاه یکی توانست قبل از غروب آفتاب سجده رکعت اول نماز عصر را دریابد، نماز خود را تا بآخر بگزارد و آن را تکمیل کند، و هر گاه قبل از طلوع آفتاب توانست سجده نماز صبح را دریابد نماز خود را باتمام برساند. مراد از سجده، يك رکعت است. از ظاهر این احادیث برمی آید، که اگر کسی توانست در وقت غروب آفتاب و در وقت طلوع آفتاب يك رکعت از نماز عصر و نماز صبح را دریابد، حدیث کراهت نمازگزاردن در این دو وقت شامل حال او نمی شود، اگر چه نماز خواندن در آن اوقات کراهت دارد. و همچنین با دریافتن يك رکعت نماز کامل نماز او اداء است نه

قضا آوردن نماز ها بعد از نماز صبح و عصر:

جمهور علماء (فقهاء) بر این عقیده اند که: قضای نمازهای فوت شده، بعد از نماز صبح و نماز عصر جایز است.

بدر نظر داشت اینکه برخی از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم بجای آوردن نماز سنت، بعد از نماز صبح و عصر، را مکروه دانسته اند، از جمله حضرت علی و ابن مسعود و زید بن ثابت و ابوهریره و ابن عمر.

سیرت نویسان مینویسند: اگر کسی بعد از نماز عصر، دو رکعت نماز می گزارد، حضرت عمر بن خطاب در حضور اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم، او را بخاطر اینکارش می زد و کسی این عمل وی را انکار نمی کرد.

سیرت نویسان می افزایند که حضرت خالد بن ولید نیز چنین رفتار حضرت عمر (رض) را عملی می ساخت.

نماز های فوت شده و قضایی آن

حتی و تعداد از تابعین قضاء آوردن نماز ها بعد از نماز صبح و عصر را مکروه می دانستند از جمله: حسن (بصری)، سعید بن المسیب. و از پیشوایان مذاهب اربعه، امام ابوحنیفه و امام مالک :

پیروان مذهب امام ابوحنیفه :

پیروان مذهب امام صاحب ابوحنیفه بدین عقیده اند که بصورت مطلق خواندن نماز در این دو وقت (بعد از نماز صبح و عصر) اساساً درست نمی باشد، فرق نمیکند که: نماز فرض باشد، یا نماز واجب، یا سنت یا نماز « قضا » یا نماز « اداء » باشد، ولی نماز عصر و نماز میت را از این امر استثنا کرده اند (زیرا این دو نماز را در هر وقت که باشد می توان بجای آورد، بدون اینکه وقت کراهت داشته باشد).

پیروان مذهب امام صاحب ابوحنیفه بدین عقیده اند که اگر در این اوقات در حین قرائت به آیه سجده برخورد کردحتی خواندن « سجده تلاوت » نیز در این دو وقت مکروه میباشد .

امام ابو یوسف :

امام صاحب ابویوسف یکی از شاگردان امام صاحب ابوحنیفه است ، او نماز مستحب پیش از نماز جمعه را از این امر مستثنی نموده است . ولی در سایر موارد نظر استاد خویش امام ابوحنیفه را تایید نموده است .

پیروان مذهب امام شافعی :

پیروان مذهب امام شافعی میفرمایند بجا آوردن نماز های سنت اگر دارای سبب مشخص باشند، مانند نماز « تحية المسجد » و سنت وضوء گرفتن، دو رکعت طواف کعبه در این دو وقت (بعد از نماز صبح و عصر) جایز است، و استدلال می آورند که: پیامبر صلی الله علیه و سلم سنت نماز ظهر را بعد از نماز عصر، بجای آورده است. ولی بجای آوردن نماز های سنتی که سبب ندارند، در این اوقات مکروه می دانند.

پیروان مذهب امام حنبل :

پیروان امام حنبل بدین عقیده اند که هرگونه نماز غیر فرضی ، در این دو وقت حرام میباشد ، مگر دو رکعت نماز سنت طواف ، زیرا در حدیثی جبیر بن مطعم آمده است که : پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « یا بنی عبد مناف لا تمنعوا أحدا طاف بهذا البيت، و صلی آية ساعة شاء، من ليل، أو نهار » (ای فرزندان عبدمناف، کسی را که طواف این خانه را انجام می دهد و در هر ساعتی از روز یا شب بخواد نماز بجای آورد، او را منع نکنید) . صاحبان سنن آن را روایت کرده اند، و ابن خزیمه و ترمذی آن را « صحیح » دانسته اند.

همچنان پیروان فقه حنبلی خواندن دو رکعت « تحية المسجد » را بدون کراهت در وقت استوا و در اثنای خطبه روز جمعه جایز دانسته اند.

پیروان امام حنبل خواندن نماز میت در این اوقات حرام میدانند ، مگر اینکه نگرانی از تغییر بوی جنازه در میان باشد آنوقت بدون کراهت جایز است.

نماز های فوت شده و قضایی آن

پیروان مذهب امام مالک :

پیروان امام مالک بجای آوردن هر گونه نماز سنتی را، در این اوقات حرام می‌دانند ولی نماز های نذری و سجده تلاوت و نماز میت را، اگر نگرانی تغییر در آن نباشد (در آن صورت واجب است) جایز می‌دانند، و نماز های فرض عینی را چه ادا و چه قضا را، در این دو وقت مباح می‌دانند، و نماز در حین استوا را، مطلقاً چه فرض و چه سنت را، نیز مباح می‌دانند.

باجی شارح موطای امام مالک می‌گوید:

در کتاب « المبسوط » از ابن وهب آمده است: از مالک درباره نماز بهنگام نیمه روز، بهنگام استوا سوال شد، او گفت: مردم را دیده‌ام که در روز جمعه در نیمه روز بهنگام استوا نماز می‌خواندند، و در بعضی از احادیث، از آن نهی شده است. ولی من مردم را از آن نهی نمی‌کنم. زیرا مردم را دیده‌ام که چنان می‌کنند. اگر چه خود آن را دوست ندارم امام مالک بر آنست که تنها برای کسی جایز است که، نماز سنت را در این وقت بجای آورد که بنا بعد از نتوانسته باشد نماز شب را بجای آورد، و او گفته که شنیده است: عبدالله بن عباس و قاسم بن محمد و عبدالله بن عامر بن ربیع بعد از سپیده دم سنت « وتر » بجای آورده‌اند، و عبدالله بن مسعود گفته است: برای من مهم نیست که بعد از نماز صبح سنت « وتر » بجای آورم.

از یحیی بن سعید روایت شده که گفته است: عباد بن صامت برای گروهی امامت می‌کرد، روزی برای نماز صبح حاضر شد، مؤذن برای نماز صبح « اقامه » گفت، عباد او را ساکت کرد تا اینکه سنت وتر را بجای آورد، سپس برایشان به امامت نماز صبح ایستاد .

از سعید بن جبیر روایت شده است که: ابن عباس خوابیده بود، سپس بیدار شد و به خدمتگزار خود گفت: ببین مردم چه کار کرده‌اند؟ - عبدالله در آن روزها کور شده بود - خدمتگزار رفت و برگشت و گفت مردم نماز صبح را بجای آورده و برگشته‌اند. ابن عباس برخاست اول سنت « وتر » بجای آورد، سپس نماز صبح را گزارد.

قضای نماز های سنت :

بر طبق رای صحیح حکم شرعی همین است که : نماز های سنت را می توان قضا کرد. و این رای عبدالله ابن عمر رضی الله عنه و اوزاعی و شافعی و احمد و اسحاق و مزنی و غیر آنها نیز است.

دلیل این رای هم حدیث صحیح ذیل میباشد .

«ام سلمه رضی الله عنها میفرماید: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَنْهَى عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعَصْرِ، ثُمَّ رَأَيْتُهُ يُصَلِّيَهُمَا وَكَانَ عِنْدِي مِنَ الْأَنْصَارِ، فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ الْجَارِيَةَ، فَقُلْتُ: قَوْمِي بِجَنْبِهِ فَقُولِي لَهُ: تَقُولُ لَكَ أُمُّ سَلَمَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَمِعْتُكَ تَنْهَى عَنِ هَاتَيْنِ وَأَرَاكَ تُصَلِّيَهُمَا، فَإِنْ أَشَارَ بِيَدِهِ فَاسْتَأْخِرِي عَنْهُ، فَفَعَلْتِ الْجَارِيَةُ، فَأَشَارَ بِيَدِهِ، فَاسْتَأْخَرْتُ عَنْهُ، فَلَمَّا أَنْصَرَفَ قَالَ: «يَا بِنْتُ أَبِي أُمَيَّةَ، سَأَلْتِ عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعَصْرِ، وَإِنَّهُ أَتَانِي نَاسٌ مِنْ عَبْدِ الْقَيْسِ، فَشَعَلُونِي عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ بَعْدَ الظُّهْرِ فَهَمَا هَاتَانِ». (بخاری: 1233)

نماز های فوت شده و قضایی آن

از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم شنیدیم که از خواندن دو رکعت، بعد از نماز عصر، منع می کرد. اما من دیدم که در خانه من، دو رکعت، بعد از نماز عصر خواند. آن روز، چند زن انصاری، نزد من نشستند. به دختری (که تا هنوز به سن بلوغ نرسیده بود) گفتم: نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم برو و از قول من، بگو: ای رسول الله صلی الله علیه وسلم! شما از خواندن این دو رکعت، ممانعت می کردی. ولی اکنون می بینم که آنها را می خوانی. و افزود که اگر آنحضرت صلی الله علیه وسلم با دست، اشاره فرمود، تو عقب برو. آن دختر، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفت و چنان کرد. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با دست، اشاره فرمود. دختر نیز خود را عقب کشید (و منتظر ماند). پس از اتمام نماز، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «ای دختر ابوامیه! تو درباره ی دو رکعت بعد از عصر، پرسیدی. باید بگویم: عده ای از افراد قبیله عبد قیس نزد من آمده بودند و بخاطر سرگرم شدن با آنان، دو رکعت (سنت) بعد از ظهر من، فوت شد. اینها، همان دو رکعت بود که خواندم».

پس کسی که مثلاً نماز سنت صبح یا نماز سنت قبل از ظهر را نخوانده، می تواند بعداً آنرا قضا کند.

از قیس بن عمر روایت است که او برای نماز صبح بیرون آمد و در مسجد دید که پیامبر صلی الله علیه وسلم

مشغول خواندن نماز صبح است، لذا نتوانست سنت فجر را بخواند، فوراً با پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز صبح را خواند. سپس چون نماز صبح تمام شد، برخاست و سنت فجر را بجای آورد. پیامبر صلی الله علیه وسلم از کنار او گذشت و فرمود: ما هذه الصلاة؟ (این نماز چیست؟). او گفت: سنت فجر است، پیامبر صلی الله علیه وسلم حرفی نزد و سکوت فرمود. به روایت احمد و ابن خزیمه و ابن حبان و اصحاب سنن، مگر نسائی. حافظ عراقی اسناد آن را حسن دانسته است. و صحیح ابن ماجه (948).

سید سابق در فقه السنه می گوید: «از ظاهر احادیث چنان برمی آید که پیش از طلوع آفتاب و بعد از آن می توان سنت صبح را قضا کرد، خواه با عذر یا بدون عذر، همراه با نماز صبح، یا تنها فوت شده باشد.»

و شیخ ابن عثیمین می گوید: «قضای سنت راتبه اگر فوت شود، سنت است. و دلیل بر این هم اینست که پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگامی که از نماز صبح خواب می ماند و تا بعد از طلوع آفتاب بیدار نمی شدند، ابتدا نماز سنت فجر را می خواند و بعد خود نماز صبح را می خواندند.» (لقاءات الباب المفتوح) (لقاء رقم/74، سؤال رقم/18).

بهترین وقت ادای نماز های فوت شده:

نماز های قضا شده را میتوان در هر وقت روز بجاء آورد. در شرع اسلامی وقت بخصوصی برای ادای نماز قضایی تعیین نگردیده است، ولی تاکید شرعی بر این

نماز های فوت شده و قضایی آن

است که : در سه وقت یعنی طلوع آفتاب، استوای آفتاب و غروب آفتاب خواندن نماز قضایی جایز نیست و اگر این فرد صاحب ترتیب است نماز های قضا شده را قبل از نماز وقتی به جا بیاورد و اگر صاحب ترتیب نیست تقدیم نماز قضایی بر نماز وقتی لازم و ضروری نیست.

یادداشت:

صاحب ترتیب به کسی می گویند که نماز های قضا شده اش به شش نماز نرسیده باشد. اگر شخص صاحب ترتیب باشد، یعنی تا کنون شش نماز از وی فوت نشده باشد، چنین فردی وقتی نمازی را قضا کرد قبل از آنکه نماز بعدی را بخواند، واجب است نماز قضا شده را بجا آورد، ولی چنانچه صاحب ترتیب نیست می تواند در فرصت هایی که به دست می آورد علاوه از اوقات سه گانه مکروه (طلوع، استوا و غروب آفتاب) نماز فرض و وتر را بجا آورد. البته مذاهب دیگر نماز وتر را سنت می دانند و قضای آن را واجب نمی دانند.

ولی طبق مذهب امام ابو حنیفه نماز وتر واجب و در صورت قضا شدن، قضای آن نیز واجب است.

شخص هر وقت می خواهد نماز قضا بجا آورد نماز مورد نظر را نیت کند. بطور مثال می خواهد نماز فرض ظهر را بجا آورد نیت کند که اولین نماز فرض ظهر یا آخرین نماز ظهری که بر زمه من است، می خوانم و سایر نمازها را نیز بدین ترتیب نیت کند.

خواندن نماز قضای از جانب متوفی:

قبل از همه خدمت خواندگان باید بعرض برسانم که بر طبق نصوص شرعی، ثواب نماز های قضا شده برای مردگان نمی رسد، بناً کسی نمیتواند نماز قضای مادر و یا پدر و یا سایر خویشاوندان را که قبلاً وفات نموده اند، نماز قضای آنان را بجا آرند. و به اصطلاح ثواب شانرا را به آنان ببخشد و یا برای آنان در نظر بگیرد، این امر در شرع صحیح نیست و بدعتی در دین می باشد و تالان چنین امری در دین و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم وجود نداشته است!

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: « إذا مات الانسان انقطع عمله إلا من ثلاثة أشياء: صدقة جاریة أو علم ینتفع به أو ولد صالح یدعو له ». (هرگاه کسی مرد رابطه او با عملش قطع می گردد و اعمال او پایان می پذیرد مگر سه عمل وی که پس از مرگ نیز همچنان ادامه دارد و ثوابش به وی می رسد: صدقه جاریه عملی که همواره سود و خیر آن جاری است، مانند مسجد و راه و چاه آب و مدرسه و موسسه خیریه و اعمالی از این قبیل که وقف می شود، و علم و دانشی که مردم از آن سود می برند که ثواب آن همیشه ادامه دارد. و فرزند شایسته و صالحی که همواره او را بیاد دارد و با دعای خیر و اعمال خیر از او یاد می کند).

هدف از صدقه جاری مالی است که وقف می گردد که همواره چون اصل آن محفوظ است، ثواب و پاداش آن ادامه دارد، و بصاحبش می رسد. مراد از این حدیث اینست که ثواب

نماز های فوت شده و قضای آن

اعمال میت قطع می‌گردد و دیگر پس از مرگ وی تجدید نمی‌شود، مگر این سه چیز که از عمل و کسب وی است و بعد از او نیز ادامه دارد و پاداش آنها به وی می‌رسد. بروایت ابن ماجه پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: «إِنْ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَحَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: عِلْمَاءٌ نَشَرَهُ أَوْ وُلْدًا صَالِحًا تَرَكَهُ أَوْ مَصْحَفًا وَرَثَهُ أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ أَوْ بَيْتًا لِابْنِ السَّبِيلِ بَنَاهُ أَوْ نَهْرًا أَجْرَاهُ أَوْ صَدَقَةً أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فِي صِحَّتِهِ وَحَيَاتِهِ تَلْحَقُهُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ».

یعنی: از جمله اعمال خیری که پس از مرگ انسان همچنان ادامه دارد و ثوابش بوی می‌رسد و قطع نمی‌شود اعمال زیر است: دانشی که او سبب انتشارش شده است، با فرزند شایسته و صالحی که از خود بجای می‌گذارد یا قرآنی که از خود بارث می‌نهد یا مسجدی که ساخته است یا خانه‌ای و کاروان سرائی که برای راهگزاران ساخته است یا جوی آبی یا چاه آبی که اجرا کرده و احداث نموده است یا صدقه جاریه و وقفی که در حال صحت و حیات خود وقف کرده و بعد از مرگش نیز ثوابش همچنان بوی می‌رسد. و نیز الله تعالی می‌فرماید: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم 39) یعنی: و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست، بنابراین تنها امکانی که برای اهدای ثواب به مردگان از طرف ما است، دعای خیر برای آنها و صدقه دادن به فقراء و اهدای ثواب آنها به مردگان، مثلاً ثواب نماز به مرده نمی‌رسد ولی دعای شما برای اموات مومن و موحد سودمند خواهد بود ان شاءالله در ضمن کسی نباید خود را از اجر کارهای نیکش محروم سازد و بلکه باید توشه‌ای برای روز واپسین داشته باشد.

همچنین بنا بر نظریه صحیح از اقوال علماء اهدای ثواب روزه ی نفلی (یا قضای روزه ی رمضان) برای مرده جایز است، و اهدای ثواب آن به مردگان موحد جایز می‌باشد. و بر اساس ارجحترین رای علماء ثواب قرائت قرآن به اموات نمی‌رسند. و دلیل خود را آیه 39 سوره نجم آورده‌اند: (وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) یعنی: برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. و نیز آیه: «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ» (سوره بقره 134) یعنی: دستاورد آنان برای آنان و دستاورد شما برای شماست.

به طور خلاصه:

اولاً: فتوای صحیح علماء این است که انجام عمل نیک از طرف زنده برای مرده جز در مواردی که شریعت محدوده‌ی آن را بیان نموده جایز نیست: مانند دعا و طلب آمرزش، حج، عمره، صدقه، قربانی و قضای روزه‌ی واجب از طرف میت.

ثانیاً: خواندن قرآن به نیت ایصال ثواب به مرده جایز نیست، چون از رسول الله صلی الله علیه و سلم در این زمینه حدیثی وارد نشده است. سابقاً گفتیم که انجام هیچ عمل نیکی از طرف زنده برای مرده جز در مواردی که شریعت آن را استثنا نموده جایز نیست و خواندن قرآن برای میت از آن موارد نمی‌باشد. (فتاوی انجمن دایمی بحوث علمی و افتا 49-47/9).

نماز های فوت شده و قضایی آن

امام قرطبی در تفسیرش فرمود: «وَأَجْمَعُوا أَنَّهُ لَا يَصَلِّي أَحَدٌ عَنْ أَحَدٍ»، یعنی: «و علماء اجماع کردند که هیچ کس برای دیگری نماز نمیخواند»، زیرا نماز یک عبادت بدنی است که هر شخصی مکلف است خودش آنرا بجای بیاورد.

هرگاه مسلمانی فوت کرد باید بدون تاخیر وی را غسل داده و کفن نمایند و آنگاه بر وی نماز جنازه بخوانند و سپس وی را بدون تاخیر دفن نمایند، اما پول جمع کردن برای جبران نمازهای فوت شده وی نه فایده ای دارد و نه اصلی در شریعت دارد، و نمازهای فوت شده با پول جبران نمی شود، بلکه هر مسلمانی موظف است در زمان حیاتش تمامی نمازهای فرضش را در سر وقت خود بخواند.

اما کسی که نماز فوت شده دارد باید توبه کند و دیگر هیچگاه زمینه آنرا مساعد نسازد که نمازش فوت شود، وگرنه گناهکار می شود و گناه فوت نماز از گناه شراب خواری نیز بیشتر است، و نمی توان با پول آنرا جبران نمود.

برای جبران آن نمازها باید کسی که نماز قضاء دارد، نمازهای سنت بخواند مانند نمازهای راتبه و ضحی و وتر و تحية المسجد و .. زیرا در حدیث صحیح از ابوهریره رضی الله عنه روایت است: از پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ، فَإِنْ أَتَمَّهَا وَ إِلا قِيلَ النَّظْرُ وَ هَلْ لَه مِنْ تَطَوُّعٍ، فَأَنْ كَانَ لَهُ تَطَوُّعٌ أَطَمَّتِ الْفَرِيضَةُ مِنْ تَطَوُّعِهِ، ثُمَّ يَفْعَلُ بِسَائِرِ الْأَعْمَالِ الْمَفْرُوضَةِ مِثْلَ ذَلِكَ». ابن ماجه (1425).

یعنی: «اولین چیزی که بنده‌ی مسلمان در روز قیامت از آن محاسبه می‌شود، نماز فرض است؛ اگر آن را به طور کامل انجام داده که خوب، در غیر این صورت گفته می‌شود: نگاه کنید آیا نماز مستحبی دارد؛ اگر نماز مستحبی (نماز سنت) داشته باشد نماز فرضش از آن کامل می‌گردد. سپس با سایر اعمال واجب او نیز چنین عمل می‌شود».

اما کسی که فوت کند، امکان جبران نمازهای فوت شده اش دیگر با پول، و اسقاط و یا اینکه کسی دیگری، بجای آن نماز بخواند، وجود ندارد. همچنان بر شخص زنده از لحاظ شرعی جایز نیست که بعنوان جبران نمازی های فوت شده شخصی متوفی نماز خواند. بلکه در مقابل میتواند نمازهای نفلی برای خود بجاء آرد و برای شخصی متوفی دعای نماید، این دعا به حق میت انشا الله استجاب مینماید.

دید امام ابوحنیفه در رسیدن ثواب برای میت:

شیخ امام حسنین محمد مخلوف در مورد رسیدن ثواب و صدقه برای میت دید شرعی را چنین بیان میدارد: در مذهب حنفی آمده که ثواب تمام عبادات مثل دعا و استغفار و صدقه و تلاوت و ذکر و نماز و روزه و طواف و حج و عمره و غیره، برای میت می رسد و می شود که ثواب عبادات را برای زنده ها و مرده داد.

طوری که در الفتح القدیر در روایتی از حضرت علی رضی الله عنه روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه وسلم روزی از مقابر عبور می کرد: سوره «قل هو الله أحد» را یازده مرتبه تلاوت کرد و ثواب این تلاوت را برای مرده ها اهدا نمود.

نماز های فوت شده وقضایی آن

مصطفی الزرقا در مورد رسیدن ثواب به متوفی طی فتوای مینویسد: از زنده ها برای میت ها هیچ چیزی نمی رسد به غیر از دعا و عبادات و فرستادن ثواب آنها به میت و همچنان دادن صدقه برای فقراء و اشخاص محتاج و کسانی که مستحق گرفتن زکات اند.

مسافرت دایمی و نماز قضایی

همانطوریکه قبلاً اشاره نمودیم در شریعت اسلامی چیزی با نام نماز قضا وجود ندارد، مگر در دو حالت زیر:

- 1- کسی خواب بماند و بعد که بیدار شد متوجه می شود که وقت نماز تمام شده است.
- 2- کسی که آنقدر مشغله ی فکری داشته که از یادش برود که وقت نماز شده تا آنکه وقت آن تمام می شود.

در غیر این دو حالت تحت هیچ شرایطی جایز نیست که نماز را قضا کرد، نه در حال مسافرت و نه در حضر و نه در حالت دیگری وگرنه بعنوان تارک نماز تلقی می شود. دوما:

انجام نوافل و رواتب واجب نیستند، ولی ترک همیشگی آنها نیز مطلوب نیست، پس یک مسلمان نباید به بهانه ی کار و شغله برای همیشه نماز رواتب را ترک کند ولی اگر بعضی اوقات به سبب مشکلات و گرفتاری فرصت آنرا نیافت، ترک آنها ایرادی ندارد. و در سفر نیز لازم نیست نماز رواتب خوانده شوند بجز نماز راتبه صبح که آنها ضروری نیست و ترک آن گناه نمی باشد.

سوما:

هرگاه کسی مسافر باشد، می تواند نمازش را قصر کند و یا اگر در سفر بود و شرایط برایش دشوار بود علاوه بر قصر کردن نمازش را جمع کنید. پس آنده کسانی که مصرف مسافرت دایمی اند، آنها می توانند فقط در مسیر سفر و یا مقصد که در آنجا مسافر تلقی می شوند، نمازشان را قصر کنند و اگر شرایط دشوار و تنگ بود می توانند نماز خود را علاوه بر قصر کردن جمع هم کنند، اما در غیر سفر موظف هستند تا نماز خود را در وقت خود بخوانند و قضای آن گناه بزرگی است. هر مسلمانی در هر شغلی و وضعیتی باشد موظف است تا نمازهای پنجگانه را سر وقت بخواند، و اگر احیاناً مسافر بود طوریکه که گفتیم، نمازش را می تواند قصر کند و اگر در شرایط اضطراری افتاد نمازش را جمع کند، و اگر در سفر بود نماز سنت بر او لازم نیست.

کدام نماز های سنت (نافله) قضای ندارد :

«نماز نافله ای که مقید به سببی باشد، هرگاه سبب آن باقی نماند، دیگر قضاء نمی شود، بطور مثال: اگر آفتاب کسوف کند و کسی در خواب باشد و بعد از بیدار شدن متوجه شود که کسوف روی داده (و تمام هم شده) او دیگر نمی تواند نماز کسوف بخواند (قضاء کند) زیرا نماز کسوف سنت است و محل آنها دیگر نمانده، و یا بطور مثال شخصی داخل مسجد شده و مدت طولانی در آنجا باشد و چون در این مدت گمان کرده وضوء ندارد (نماز تحیة المسجد نخوانده) سپس بیاد می آورد که وضوء دارد! دیگر نمی تواند

نماز های فوت شده و قضایی آن

نماز تحية المسجد بخواند، زیرا این نماز مستحبی است که دیگر محل آن باقی نمانده است. و ضابطه این مسئله اینست که: هر نماز نافله ای که مقید به سببی باشد، دیگر قضاء نمی شود مانند نماز وتر، اما پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز وتر را (در روز) بصورت وتر (یعنی فرد) قضاء نمی کردند، بلکه دوازده رکعت از ضحی می خواندند، حال آنکه بیشترین تعداد رکعت وتر پیامبر صلی الله علیه وسلم یازده رکعت بود، و ایشان این مقدار را قضاء می کردند ولی آنرا بصورت زوج می خواندن، زیرا محل آن باقی نمانده بود». (فتاوی فضیلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين لمجلة الدعوة العدد 1756 ص 37).

یادداشت توضیحی: فرق بین «اداء و قضاء»

- «اداء» یعنی انجام عبادت در وقت مقرر آن. و «قضاء» یعنی انجام فرض یا واجب پس از گذشتن وقت مقرر آن.
- مثلاً نماز ظهر را در وقت تعیین شده آن خواندن، «اداء» است. و اگر خارج از وقت خوانده شود. «قضاء» می شود.
- مُدْرِك، مَسْبُوق، لَاحِق:
- «مُدْرِك» به چه کسی گفته می شود؟
- مدرک به کسی گفته میشود که: که از اول تا آخر با امام در نماز شریک بوده است آن را «مدرک» می گویند.
- «مَسْبُوق» به چه کسی گفته می شود؟
- «مَسْبُوق» به کسی می گویند که: از اول نماز يك یا چند رکعت را نیافته است.
- «لَاحِق» به چه کسی گفته می شود؟
- «لَاحِق» به کسی گفته می شود که: در اول نماز با امام شریک بوده و در وسط در يك یا چند رکعت شرکت نداشته مثل اینکه: یکی از اول با امام همراه باشد و در قعه خواب رود و خوابش تا حدی طولانی شود که امام یکی دو رکعت را خوانده باشد.

پایان

نماز های فوت شده و قضایی آن

فهرست موضوعات :

- مقدمه
- نماز چه وقت قضاء میشود
- واجب بودن نماز در وقتش
- نماز قضایی و چگونگی قضاء آن
- نماز قضا و بهترین وقت ادای آن
- قضای سنت نماز صبح
- کسیکه نماز صبح راهمیشه قضا میکند !
- خواب بردن و عدم خواندن نماز
- جماعت برای ادای نماز قضا
- دریافتن يك رکعت از نماز قبل از اینکه وقت بگذرد
- قضا آوردن نماز ها بعد از نماز صبح و عصر
- قضای نماز های سنت
- بهترین وقت ادای نماز های فوت شده
- خواندن نماز قضای از جانب متوفی
- مسافرت دایمی و نماز قضایی
- کدام نماز های سنت (نافله) قضای ندارد
- یادداشت توضیحی

نماز های فوت شده و قضایی آن

نماز های فوت شده و قضایی آن

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

ادرس ارتباطی :

saidafghani@hotmail.com

strategicstudies@yahoo.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**